

# High3 vocab

## Unit 1

applicator (n.)	قطره چکان- افشانه
audience (n.)	حُضار
avid (adj.)	مشتاق- علاقمند
brainstorming (n.)	مشکل گشایی گروهی (جلسه ای که در آن افراد مختلف با تخصص های گوناگون دور هم جمع شده و راه کارهای مختلف در مورد یک مسئله یا مشکل را ارائه می دهند)
break out (v.)	(آتش سوزی، جنگ و...) رخ دادن
bring about (v.)	موجب شدن- سبب شدن
broker (n.)	دلال
bunsen burner (n.)	چراغ بونزن (چراغ گازی کوچک)
burr (n.)	خار- تیغ
caption (n.)	توضیح زیر عکس- شرح- زیرنویس
carry out (v.)	انجام دادن
catch on (v.)	مُدشدن- متداول شدن
come up with (v.)	تدبیر کردن- یافتن (یافتن راه حل جدید)
condense (v.)	غلیظ کردن
convincing (adj.)	متقاعد کننده
crucial (adj.)	بسیار مهم- حیاتی- سرنوشت ساز
crunch (n.)	صدای خرد کردن چیزی زیر دندان (مثلاً: صدای قرچ قرچ چپیس)
cut down (v.)	کاستن- کم کردن
decor (or décor) (n.)	دکور
do without (v.)	بدون وجود چیزی به سر بردن
dream up (v.)	در سرپروراندن- خیال پردازی کردن
dropout (n.)	کسی که ترک تحصیل میکند
earmuffs (n.)	گوش پوش (که برای محافظت گوش ها در سرما بکار میرود)
eureka (interj.)	یافتم! (جمله ای که ارشمیدس هنگام کشف طریق سنجش خلوص طلا گفت)
flap (n.)	پرده (پرده ی نازکی از پوست زخم را پوشاند) در (در این پاکت پاره شده است)
foil (n.)	ورقه ی نازک فلزی
Frisbee (n.)	(اسباب بازی) بشقاب پرنده
frostbitten (adj.)	سرما زده
genius (n.)	نابغه
get away with (v.)	قسر در رفتن- گیر نیفتادن
get rid of (exp.)	خلاص شدن از
gizmo (n.)	وسیله ی انجام هر کار- اسباب
go along with (v.)	موافقت کردن
goggles (n.)	عینک ایمنی
goose (n.)	غاز
heap (n.)	توده (مثلاً: توده ی آشغال)
homemaker (n.)	کدبانو- اداره کننده خانه
hook (n.)	چنگک (اویز لباس)
incident (n.)	رویداد- حادثه- واقعه
inspiration (n.)	الهام
intake [+of] (v.)	مقدار (ویتامین، چربی و...) ورودی
involve (v.)	مربوط بودن به- شامل بودن
junk (n.)	خرت و پرت- آت و آشغال
keep up with (v.)	پا به پای کسی یا چیزی رفتن - عقب نیافتادن
marketing (n.)	بازاریابی
nick (n.)	خراش- بریدگی
pass up (v.)	(فرصت و...) غنیمت نشمردن- نپذیرفتن
perspiration (n.)	عرق (بدن)
put together (v.)	مونتاز کردن

put up with (v.)	تحمل کردن- (با کسی یا چیزی) ساختن صورت قیمت
quotation (n.)	دستگاه دریافت تلگراف که بطور اتوماتیک گزارشات مربوط به فروش، قیمت ها و... را در یک نوار ضبط میکند
stock ticker (n.)	دایر کردن- برپا کردن (آماده کردن)
set up (v.)	پُر دادن- خود نمایی کردن
show off (v.)	خورشیدی (مثلاً: صفحات خورشیدی)
solar (adj.)	لکه (دانه های رنگی)
spot [+of] (n.)	ادامه دادن (به مصرف ، انجام و...)
stick with (v.)	ذخیره سازی
storage (n.)	یکدندگی- سرسختی- مقاومت
storage (n.)	به حوادث گذشته فکر کردن
tenacity (n.)	از خود در آوردن- ابداع کردن
think back (v.)	پرت کردن- بالا انداختن
think up (v.)	فرستنده (رادیویی)
toss (v.)	(با بکار بردن) آزمودن- امتحان کردن
transmitter (n.)	رد کردن- قبول نکردن
try out (v.)	نوعی پارچه ی کشی
turn down (v.)	Velcro (n.)
turn down (v.)	workbook
Velcro (n.)	نگرش- گرایش
workbook	عجیب و غریب (در عین حال جذاب)
attitude (n.)	سپر
attitude (n.)	کنسل کردن- به بعد موکول کردن
with attitude	قطب نما
bumper (n.)	استحکام- ثبات- انسجام
bumper (n.)	معادله ی ریاضی
call off (v.)	تفهیم کردن
call off (v.)	محکم گرفتن
compass (n.)	پریز برق
compass (n.)	(وحشت زده یا) هراس زده کردن
consistency (n.)	باریدن (سقوط تند و پیاپی) (مثلاً: بمب های دشمن مثل باران بر شهر می بارید)
consistency (n.)	میله (مثلاً: میله (یا چوب) پرده)
equation (n.)	(در اثر ضربه و...) خرد کردن
equation (n.)	متلاشی- خسته
get across (v.)	شلپ شلوپ کردن (با راه رفتن در آب)
get across (v.)	نخ
hold on to (v.)	رئیس زندان
hold on to (v.)	انبار هیزم
outlet (n.)	دانستن (مثلاً: من نمی‌دونم چیکار کنم؟)
outlet (n.)	Unit 2
panic (v.)	باران اسیدی
panic (v.)	رویداد- قضیه
rain down (v.)	سفیر
rain down (v.)	بر آورد- پیش اندیشی
rod (n.)	کربن دی اکسید
rod (n.)	حیوانات اهلی روستایی (گاو، اسب و...)
shatter (v.)	خنک شدن
shatter (v.)	آب و هوایی
shattered (adj.)	ساحلی
shattered (adj.)	پشت سر هم- متوالی
splash (v.)	(در داخل رادیاتور و...) مایع سردکن
splash (v.)	هسته ی راکتور
string (n.)	انجمن- شورا
string (n.)	بی رحم- سنگدل
warden (n.)	
warden (n.)	
woodshed (n.)	
woodshed (n.)	
work out (v.)	
work out (v.)	